

سوالات تشریحی درس شانزدهم فارسی (۳) پایه دوازدهم حیدر عباس پور ناحیه پنج تبریز

قلمرو زبانی:

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

- ۱- یک دست دیگر ظرف و اوزم عاریه بگیر.
 - ۲- تک و پوزش کره تر شده است.
 - ۳- آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.
 - ۴- نت تخلص را از زواید می دانم
 - ۵- دوباره مبهوت به سهراب نگاه می کردند.
 - ۶- در میان گروه کلمات زیر املای ۲ واژه نادرست است ، صحیح آن ها را بنویسید.
- « لوازم عاریه- استیصال و درماندگی - سپاسگزاری- صیغه بلعت - چاره منحصر به فرد- غاز معهود- صله ارقام - صدای غرش تانک - خاک غلیض »

قلمرو ادبی:

- ۷- در عبارت «رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقدا خط بکش و بگذار سماق بکند» چند کنایه وجود دارد ؟ مفهوم کنایی آن ها بنویسید.
- ۸- در همه گزینه ها کنایه وجود دارد به جز گزینه
(۱) مابقی را نقدا خط بکش بگذار سماق بکند.
(۲) یارو دل به دریا زده و به دنبال من از اتاق بیرون آمد.
(۳) مهمان ها هم با او هم صدا شدند و دسته جمعی خواستار بردن غاز گردیدند.
(۴) در دل از تعریف کردن دیگران می رنجید . به نظرش می آمد که یک موشک را بیهوده از دست داده است.

قلمرو فکری :

الف) اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید:

- ۹- چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.
 - ۱۰- قرار بود که هر کس اول ترفیع رتبه یافت به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.
 - ۱۱- آسمان جل و بی دست و پا و پخکه تا بخواهی بدریخت و بدقواره.
 - ۱۲- به من دخلی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان پسر عموی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بزن.
- ب) به سوالات زیر پاسخ دهید:
- ۱۳- در داستان کباب غاز، عیال نویسنده می گوید: «محال است در میهمانی اول بعد از عروسی بگذارم از کسی چیز عاریه وارد این خانه بشود.» دلیل او چیست ؟
 - ۱۴- در جمله :مشغول تماشا و ورنانداز این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم .منظور از مخلوق کمیاب چیست؟

۱۵- در عبارت «پنج انگشت دعاگو به معیت مچ و کف و مایتعلق به بر روی صورت آقای استادی نقش بست» منظور از دعاگو و آقای استادی به ترتیب چه کسانی است؟

۱۶- در عبارت «مهمان ها بدون تخلف تمام و کمال دورمیز حلقه زده و در صرف کردن صیغه ی بلّعت اهتمام تامی داشتند» چه حالتی از مهمان ها توصیف شده است؟

۱۷- منظور از «درزی ازل» در عبارت «گویی جامه ای بود که درزی ازل به قامت زیبای ایشان دوخته بود» کیست؟

جواب سوال های تشریحی درس شانزدهم

۱- امانت

۲- ظاهر شخص به ویژه سر و صورت

۳- رخسار، چهره

۴- هر چیزی که جزء اصلی نباشد

۵- سرگردان، حیرت زده

۶- صلّه ارحام - خاک غلیظ

۷- دو کنایه: در حال حاضر نادیده بگیر و انتظار بیهوده کشیدن

۸- گزینه چهار

۹- آن چنان شاد شده بود که پیش رفته، پیشانی شاعر را بوسید.

۱۰- قرار بود هر کس اول مقامش بالا رفت به عنوان غذای مهمانی، کباب غاز کاملی بدهد.

۱۱- فقیر و بی چیز و بی عرضه و بسیار زشت و بد ترکیب.

۱۲- به من ربطی ندارد ماشاءالله بلا به دور پسر عمومی خودت است، هر کاری می کنی خودت انجام بده.

۱۳- شکوم ندارد و بچه ی اول می میرد.

۱۴- مصطفی

۱۵- نویسنده (جمال زاده)

۱۶- تلاش برای بلعیدن لقمه های پی در پی

۱۷- خداوند